فتح و ظفر اجتماعیون عامیون (سوسیالیسم) در آلمان

نظر بانقلاباتی که در این اواخر در آلمان‏ روی داده و دستهء«سوسیالیست»هار را سرکار آورده در ذیل شرح مختصری از ظهور طریقهء اجتماعی سوسیالیسم در آلمان و نشو و نمای‏ آن در آن مملکت فقط از نقطهء نظر تاریخی‏ بنظر خوانندگان میرسانیم:

باید دانست که اصول و قوانین«سوسیالیستی»از زمانهای بسیار قدیم‏ در میان بوده و چیز بکلی تازه‏ای نیست چنانکه در ایران قدیم خودمان هم‏ اصول کیش مزدک در عهد قباد ساسانی در اواخر قرن پنجم میلادی با اغلب اصول«سوسیالیسم»کنونی یکی میباشد و حرفهای مزدک مثل آنکه‏ مثلا«مردم همه یکسانند و هیچ‏کس نباید بر دیگری ترجیح و برتری داشته‏ باشد و هیچ چیز نباید بشخص مخصوص متعلّق گردد و اشیا را باید میان مردم‏ بطور اشتراک گذاشت حتّی زنهاوا همان حرفهائی است که امروز دستهء اشتراکیّون«کمونیست»که دسته‏ای از دسته‏های سوسیالیستها هستند میزنند چیزی که هست همانطور که علم نجوم امروز ترقّیات محیّر العقول نموده‏ و دخلی بنجوم عهد خواجه نصیر و الغ بیک ندارد اصول سوسیالیستی‏ کنونی هم که صدها علما و صاحبان فکر ممالک متمدّنه را از یک قرن‏ باین طرف مشغول خویش داشته طرف مقایسه با اقوال پریشان و بی‏تربیت‏ پیشینیان هزار سال پیش نیست.

اساس سوسیالیسم کنونی بر روی مطالبی چند است که عموم دسته‏های‏ مختلف سوسیالیستها با آن همراه هستند و مطالب مزبور از قرار ذیل‏ است:

اولا در نظر کلیّهء سوسیالیستها جهت حقیقی اغتشاشات اجتماعی این‏ است که ثروت و دارائی در دست عدّهء قلیلی جمع شده است و این عدّهء کم را در حقیقت مالک رقاب نموده بطوریکه نفعی که از کار و زحمت‏ عموم مردم حاصل میشود بکیسهء آنها میرود.

از اینرو سوسیالیستها درصدد هستند که ترتیبات و انتظامات هیئت‏ اجتماعی را بطور دیگری درآورند که ترتیب سرمایه‏داری و مزدوری تا حدّ مقدور محدود و بلکه بکلّی منسوخ گردد.و هم در سر همین مسئله‏ است که میان دسته‏های سوسیالیستها بنا بآنکه در باب نسخ سرمایه‏داری‏ و مزدوری مفرط یا معتدل میباشند اختلافاتی پیدا میشود چنانکه آنهائی‏ که اصلا برضدّ تملّک شخصی هستند و نسخ آنرا خواهانند مانند بالشویکهای روسیه و«اشپارتاکوسیهای»1آلمان اشتراکیّون«کمونیست» خوانده میشود و آنهائی که فقط نسخ تملّک آن‏گونه اشیائی را میخواهند که بکار بعمل آوردن مال التجاره میخورد مانند کارخانه و سرمایه و غیره‏ هیئتیّون«کلکتیویست»2و بالأخره دسته‏ای که فقط برضدّ تملّک‏ اراضی است اجتماعیّون زمینی«سوسیالیست آگرو»3نامیده میشوند.

ثانیا سوسیالیستها عموما درصدد هستند که بر وسعت اختیارات هیئتهای‏ اجتماعی بیافزایند چه نمایندهء این هیئتها دولت باشد یا هیئتهای عمله و کارکنان‏ (در روسیه و آلمان هیئت عمله و سرباز)و یا قری و قصبات یعنی مقصدشان‏ این است که کارها و امور را که امروز در دست اشخاص و افراد است از آنها گرفته و در ادارهء هیئت اجتماع داخل نمایند.از این قرار مثلا دیگر هرکسی حقّ ایجاد کارخانه و بانک و تجارتخانه و مکتب و مدرسه‏ و حمّام و چیزهای دیگر از این قبیل نخواهد داشت و این کارها هم مثل‏ امور بلدیّه و غیره جزو اختیارات و ادارهء هیئت اجتماع خواهد بود خواه‏ نمایندهء آن هیئت اجتماع چنانکه مذکور گردید دولت باشد یا هیئت دیگری.

ثالثا عمده‏ترین صفت«سوسیالیسم»کنونی آن است که بکلّی طرفدار طبقهء عمله و مزدور است و غیر از عمله کسی را نمیشناسد و تنها منافع این‏ طبقه را منظور داشته و منافع طبقات دیگر ملّت را مخالف منافع طبقهء کارگران میداند و مسئلهء«مبارزهء طبقات»که نقطهء اصلی دستور و نظامنامهء«سوسیالیستها»است از همین بابت است.

امّا ظهور طریقهء«سوسیالیسم»را در آلمان باید از 40 ذی الحجّه سال‏ 1279 دانست که در آن وقت فردیناند لاسال‏4مشهور«اتحاد عمومی‏ عملجات آلمانی»را که اوّلین بنای تشکیلات«سوسیال دموکراسی»در آلمان‏ شد بنا نهاد.و از مختصّات مهمّ«سوسیال دموکراسی»آن است که‏ سوسیال دموکراتها در دستور خود بعضی پیشنهادهای قانونی هم در نفع‏ طبقات پست ملت نموده‏اند که باید مجری شود در صورتیکه سوسیالیستهای‏ دیگر عموما تنها بطور انحصار در فکر طبقهء عمله هستند و بس.

مقصد عمدهء«اتحاد عمومی عملجات آلمانی»آن بود که«از راه صلح‏ و مسالمت و قانونی»در راه بدست آوردن حقّ انتخابات عمومی و مستقیم‏ و مساوی و مخفی که در آن تاریخ در آلمان وجود نداشت جدّ و جهد نمایند و از اینرو«نمایندگی کافی طبقهء عمله و از میان برداشتن اختلافات‏ طبقه‏ای را در هیئت اجتماع بفعل آورند».چهار سال پس از تاریخ‏ مذکور بیزمارک قانون انتخابات عمومی را در ممالک شمالی آلمان مجری‏ داشت و مقاصد«سوسیال دموکراتها»در مجلس شورای ملّی آلمان کم‏کم مطرح‏ مذاکره گردید و پس از آنکه قانون انتخابات عمومی در کلیهء آلمان بقلم‏ اجرا درآمد روزبروز بر عدّهء طرفداران دسته افزوده گردید چنانکه‏ در سال 1290 عدّهء آنها 000‘60 نفر گردید.در این بین دستور آنها هم روزبروز تندتر و تقاضاهای آنها مفرطتر میگردید.

روزنامهء مسلکی آنها هم در برلن نشر میشد و موسوم بود به‏ «سوسیال دموکرات».مقارن همان اوقات در جمادی الأولی 1286 ویلهلم لیبکنشت‏1و اوگوست ببل‏2که هر دو از مشاهیر سوسیالیستهای‏ آلمان هستند باشارهء استاد خود کارل مارکس‏3مشهور آلمان که در حقیقت‏ بانی اساس سوسیالیسم علمی کنونی است دستهء دومّی باسم دستهء«عملجات‏ سوسیال دموکرات»ایجاد نمودند.برای این مقصود مشار الیهما که‏ هر دو عضو هیئتی بودند که باسم«هیئت بین المللی عملجات»در 1283 تشکیل شده بود پس از زحمات فراوان در تاریخ مزبور کنگره‏ای از تمام اتحادیّه‏های عمومی عملجات در شهر ایزناخ‏4گرد آورده و در آنجا دستهء سابق الذکر را با عنوان شعبهء آلمانی هیئت بین المللی ایجاد نمودند. پیروان این دستهء تازه معروف بودند به«ایزناخیها»و هم از راه تمسخر آنها را«دستهء باشرفها»میخواندند.دو دستهء مذکور پس از آنکه‏ در انتخابات سال 1291 دیدند قوتّشان تقریبا برابر است از زد و خورد و مبارزه بین خود دست برداشته و از زور و اذیّت و آزار نظمیّه هم کم‏کم‏ بهم نزدیک شده و در کنگرهء سوسیالیستها که در سال 1292 در شهر گتا5تشکیل یافت باسم«دستهء عملجات سوسیالیست آلمان»یکی شدند و روزنامهء مسلکی دستهء تازه«فلکس اشتات»6(دولت ملّی)بود که بعدها «فورورتس»7(ترقی)شد.این دسته در ظرف مدّتی اندک ترقی‏ بسیار نمود چنانکه در سال 1294 دارای 41 روزنامهء سیاسی و 000‘150 مشترک بود.یکی از وسایل مهمّ ترقّی این دسته داعیان و ناطقینی‏ بودند که از طرف دسته بآنها مواجب داده میشد.و انتخابات پارلمانی‏ بخوبی این ترقّی را محسوس میدارد:

در سال 1288 عدهء رای‏دهنده 655‘124 نفر بود و در سال 1291 عدهء رای‏دهنده 952‘351 نفر بود و در سال 1294 عدهء رای‏دهنده 277‘493 نفر بود

در مقابل ترقّی فوق العاده دستهء مزبور دولت بیمناک گردیده و در صدد اقداماتی برآمد که از آن جمله بود گذراندن قانونی در تاریخ‏ 24 شوّال 1295 در مجلس شورای ملّی که قبل از آنکه موعدش سرآید دوباره تجدید شد و تا 15 صفر 1308 امتداد یافت.قانون مذکور مجامع و محافل و طبع نوشتجات سوسیالیستی را غدغن نموده و مقرّر داشت که دولت حقّ داشته باشد داعیان رسمی آن دسته را طرد و تبعید نماید و مراکز و کتابخانهای دسته را ببندد و در مواقع مخصوص در هر کجا لازم باشد حکومت نظامی برقرار دارد.ولی این قانون و اقدامات‏ دیگر دولت نتوانست جلوی ترقّی سوسیالیستها را بگیرد چنانکه در همان‏ چند سال باز بر عدّهء آنها مداوم افزوده میشد از این قرار:

در سال 1302...990‘549 نفر و درسال 1305...128‘763 نفر بود.

پس از آنکه قانون سابق الذکر از مجلس شورای ملی گذشت‏ سوسیال دموکراتهای آلمان مرکز روزنامهء مسلکی خود را در سویس‏ در شهر زوریخ برقرار نموده و شروع بنشر روزنامهء موسوم به‏ «سوسیال دموکرات»کردند.

در جمادی الآخره 1317 سوسیال دموکراتها باز در شهر ارفورت‏1 کنگره‏ای منعقد نموده و در آنجا دستور نامهء تازه‏ای برای خود ترتیب‏ دادند که موادّ اصلی آن از قرار ذیل است:

1-حقّ انتخابات مساوی و مستقیم و مخفی برای کلیّهء تبعهء مملکت از زن و مرد که سنّشان از 20 سال متجاوز باشد برای کلیّهء انتخابات و برای مواقعی که‏ دادن رأی لازم میشود از روی انتخابات نسبتی و تا وقتیکه انتخابات نسبتی‏ جاری نشد.تیین حوزهای قانونی انتخابات از روی عدّهء نفوس ساکنین‏ دوره تقنینیّهء دو ساله-انتخابات و اخذ رأی در روزهای تعطیل قانونی‏ -ادای وجه خسارت بنمایندگان منتخب شده-حذف هرآنچه برضدّ اجرای کامل حقوق سیاسی است جز در موضوع قیمومیّت.

2-وضع قانون بتوسّط ملّت مستقیما بوسیلهء حقّ پیشنهاد و حقّ ردّ-ملّت در مملکت و ایالتها و دهات و قصبات و شهرها اختیارات کامل دارد در آنکه در زیر تبعیّت هر دولتی که بخواهد درآید و یا بتنهائی مستقّل باشد و هم حقّ‏ اداره نمودن امور خود را بطور استقلال دارد2.انتخابات اولیای امور با ملّت است و اولیای امور مسئول و ممکن التوقیف هستند-تعیین مبلغ‏ مالیات هر ساله است-

3-تعلیم نظامی عمومی-قشون ملّی بجای قشون مستمرّ-تصمیم جنگ و و صلح با هیئت نمایندگان ملّت است-حلّ و عقد مشاجرات بین المللی از راه‏ حکمیّت است-

4-حذف قانونهائی که حقّ اظهار عقیده و حقّ تشکیل اتّحادیّه و حقّ اجتماع را محدود میکند یا از آنها جلوگیری مینماید.

5-حذف قانونهائی که زن را در روابط عمویم و خصوصی تابع مرد قرار میدهد.

6-امر شخصی و خصوصی بودن دین.

7-آزادی مدارس از قیود مذهبی‏3-تعلیم مجبوری مدارس ملّی عمومی- تدریس مجّانی.

8-مجّانی بودن محکمه‏ها و قضات و وکلا-محاکمات بتوسّط قضاتی میشود که از طرف ملّت منتخب شده‏اند-استیناف در موقع احکام جزائی-غرامت‏ بکسانی که بدون گناه نسبت تقصیر بآنها داده شده و یا آنکه بدون گناه محکوم‏ و یا حبس شده‏اند-نسخ جزای اعدام.

9-مجّانی بودن معالجات و زائیمان و دواجات و کفن و دفن.

10-مالیّات تصاعدی از عایدات و ثروت برای مخارج عمومی تا اندازه‏ای که از عهدهء این مخارج بتوسّط مالیّات بتوان برآمد-تخمین ثروت و عایدات با خود مالیّات‏دهنده است-مالیّات تصاعدی از ارث با نسبت مبلغ و دوری قرابت- نسخ کلیّهء مالیّاتهای غیر مستقیم و گمرکات و غیره.

سوسیال دموکراتها بمناسبت آنکه قوانین مملکتی با اجتماعات مساعد نبود در ظاهر تشکیلاتشان سست بنظر میامد و هیت عالی آنها عبارت بود از مجلسی که سالی یک بار باسم«روز دسته»4در یکی از شهرهای آلمان‏ تشکیل مییافت و در آن از هر حوزهء انتخابات سوسیالیستی آلمان یک‏ نماینده حاضر میشد بعلاوه کلیّهء وکلای مجلس شوری و رؤسای دسته‏ که بعدّهء 12 نفر هر ساله در همان«روز دسته»انتخاب میشدند و 5 نفرشان مأمور انجام امور دسته و 7 نفر دیگر مأمور کار سرکشی‏ و نظارت بودند.

در این بینها معلوم است بعضی اختلافات نظری هم در میان میامد مثلا در حدود 1308 یک دسته از سوسیال دموکراتها باسم دستهء «جوانان»1بنای پاره‏ای اعتراضات گذاشتند ولی در اجتماع سالیانهء سال 1309 رؤسای دستهء مزبور را از دستهء سوسیال دموکراسی بیرون‏ کردند و اختلافات باین قرار رفع شد.پس از آن هم باز عدّهء دیگری‏ از خوش‏بینان دسته بعنوان آنکه باید دست از بعضی تقاضاهای سنگین‏ برداشته و بکارهائی شروع کرد که اجرای آن با وضع کنونی هیئت اجتماع‏ ممکن است بنای زمزمه را گذاشتند و از اینراه اختلافات نظری بمیان آمد و هیئت مدیرهء دسته درصدد برآمد که دسته در اجتماع سالیانه سال 1312 در خصوص عدم اطمینان از این عدّهء تازه رأی بدهد ولی پیش نبرده‏ و از آن ببعد جریانی در دسته پیدا شد که نسبة معتدل است و این جریان‏ روزبروز بطریقهء دموکراسی نزدیکتر میگردد.

خلاصه با وجود اینها سوسیال دموکراتها هر روز ترقّی نموده‏ و بر عدّهء خود میافزودند چنانکه از صورت ذیل راجع بانتخابات در آلمان‏ و عدّهء وکلای سوسیال دموکرات در سالهای مختلف این مسئله بخوبی‏ بدست میآید:

(به صفحه تصویرمراجعه شود) چنانکه در فوق دیده میشود در انتخابات 1331 عدّهء وکلای سوسیال‏ دموکراتها به 110 رسید و از اینرو چون بزرکترین«فراکسیون»(دسته)را تشکیل میداد وکلای مزبور خواستار شدند که ریاست مجلس شوری با یک نفر از آنها باشد ولی ببل سابق الذّکر که نامزد این مقام بود نتوانست نامزدی خود را پیش ببرد ولی شایدمان‏1که یکی از وکلای‏ مشهور دسته بود مقام نایب رئیسی اوّل یافت.

در اجتماع سالیانهء سال 1331 بعضی تغییرات در دستورنامهء دسته بعمل‏ آمد که مهمترین آنها از قرار ذیل است:اوّلا از اختیارات هیئت مدیره‏ کاسته شد باین معنی که هیئتی مرکّب از 32 نفر بنا شد دارای رأی قطعی‏ در امور دسته باشد ثانیا بنا شد که دیگر در اجتماعات سالیانه حضور کلیّهء وکلای مجلس شوری ضروری نباشد و فقط حضور یک ثلث شرط باشد. ثالثا مقرّر شد که یکی از دو منشی کلّ دسته یک نفر زن باشد.رابعا وجه ماهیانه‏ای که اعضای دسته میپرداختند از 30 فنیک(تقریبا 4 عبّاسی) به 40 فنیک(تقریبا یک قران)برده شد و مال زنها از 15 فنیک‏ (تقریبا 2 عبّاسی)به 20 فنیک(تقریبا 10 شاهی).

بعدها پس از آنکه جنگ شروع شد مابین سوسیال دموکراتها اختلافات‏ نظر قوّت پیدا کرد چنانکه از وکلای مجلس دسته‏ای که معتدل‏تر بودند بریاست‏ شایدمان سابق الذکر و ابرت‏2باسم دستهء اکثریّت تقریبا از دستهء دیگر که در تحت ریاست هازه‏3باسم«سوسیالیستهای مستقلّ»تشکیل یافته بود جدا شدند.در میان وکلای چپ سوسیالیستها لیبکنشت نامی که‏ پسر لیبکنشت سابق الذّکر است و در عقاید سوسیالیستی بسیار مفرط و تند بود در همان بحبوحهء جنگ علنا بنای تنقید دولت را گذاشته و مردم را بشورش و طغیان دعوت مینمود و بدین مناسبت از طرف دولت محبوس‏ شد و همان‏طور در حبس بود تا آنکه بعدها وقتیکه در نتیجهء استعفای‏ هرتلینگ از صدر اعظمی آلمان چنانکه در شمارهء 33«کاوه»مذکور گردیده در 27 ذی الحجّه 1336 شاهزاده ماکس صدر اعظم شد و هیئت وزرائی تشکیل یافت که شایدمان مذکور در آن دارای مقام وزیر بی‏شغل بود کم‏کم قوّهء سوسیالیستها خیلی زیاد شد و زمینهء انقلاب حاضر و منجرّ گردید بانقلاب صفر 1337 که سلطنت آلمان یکباره صورت‏ دیگری گرفته و بدست ملّت و سوسیالیستها افتاد.و در همین موقع صدر اعظمی شاهزاده ماکس بود که لیبکنشت سابق الذّکر بانی دستهء «اشپارتاکوس»4که تندروترین دستهء سوسیالیستها است هم از حبس‏ خلاصی یافت.پس از انقلاب هیئت سرباز و عملهء آلمان اختیارات را بدست هیئتی داد 6 نفری که 3 نفر آن از سوسیالیستهای اکثریّت‏ (ابرت-شایدمان-لاندسبرگر5)و 3 نفر دیگر از دستهء سوسیالیستهای‏ مستقلّ(هازه-بارت‏6-دیتمان‏7)بودند ولی 3 نفر اخیر بمناسبت‏ اختلافات نظری که در میان بود و مانع پیشرفت کار بود از هیئت خارج‏ شدند و بجای آنها دو نفر دیگر از همان سوسیالیستهای اکثریت(نوسکه‏8- ویسل‏9)در هیئت داخل شدند و از این قرار امروز اختیارات‏ بکلّی در دست همان دستهء اکثریّت است و در زد و خوردهای خونینی‏ هم که در دهه اوّل ربیع الثّانی(1337)بین دولت و دستهء«اسپارتاکوس» و«سوسیالیستهای مستقلّ»در برلن واقع شد تا امروز که 11 ربیع الثّانی‏ است و فتح و ظفر بکلّی با دولت یعنی با دستهء سوسیالیستهای اکثریّت بوده‏ است.اکنون باید منتظر بود و دید در 16 ربیع الثّانی که روز«اجتماع‏ ملّی»است و از تمام نقاط آلمان نمایندگان ملّت جمع خواهند شد اکثریّت‏ ملّت با کدام دسته همراه خواهد بود و عواقب آن‏چه خواهد شد.

نظر اجمالی به اوضاع ایران

متأسّفانه در این اواخر خبرهای مستقیم راجع باوضاع اخیرهء ایران‏ در دست نیست و پس از تخلیهء ولایات شمالی غربی ایران از قشون عثمانی‏ و برطرف شدن عذر دولت انگلیس در باب نگاهداشتن قشون خود در ایران معلوم نیست که دولت مشار الیها چه رویه‏ای در ایران پیش گرفته‏ و آنچه محقّق است هنوز از تخلیهء ایران از قشون انگلیس که همیشه آنرا ببعد از خارج شدن قشون عثمانی و برطرف شدن خطر تهدید منافع آنها از طرف سایرین وعده میدادند اثری ظاهر نیست.

علیقلی خان مشاور الممالک‏1وزیر امور خارجه از طرف دولت‏ ایران برای سعی در پیشرفت مقاصد ملّی ایران در مجلس صلح با یک‏ هیئتی مأمور شده و چندی پیش وارد پاریس گردیده‏اند و از قرار مسموع‏ میرزا حسین خان معین الوزاره با میرزا محمّد علی خان ذکاء الملک‏ و میرزا سیّد ابو القاسم خان انتظام الملک نیز جزو هیئت مذکور میباشند و علیقلی خان نبیل الدّوله کفیل سفارت امریکا را هم برای معاونت فکری‏ از امریکا خواسته‏اند.

اوضاع داخلی ایران-روزنامهء«منچستر گاردیان»در 11 اکتوبر 1918 شرحی راجع بقحطی در ایران بنا بیک مراسلهء پروفسور ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی نوشته و مخصوصا وضع اصفهان را پرتاریک تصویر مینماید.نظر بمندرجات روزنامهء مذکور گویا بجهت‏ خرابی محصول زراعت از یک طرف و ناامنی و اغتشاش مملکت از طرف‏ دیگر عدّه‏ای زیاد از فقرای آنجا از گرسنگی بدرود زندگی مینماید و بنا بنوشتهء یکی از طبیبه‏های دعاة مسیحی نعشهای مردگان در سرگذرها انداخته شده است تا عابرین پولی برای مخارج تدفین آنها بدهند و بسا واقع میشود که پدران اولاد خود را زهر داده و میکشند برای آنکه‏ (1)مشار الیه مدّتها در پترسبورگ جزو مأمورین سفارت ایران و اخیرا کفیل‏ سفارت بود بعد بایران برگشته در سال 1333 معاون وزارت خارجه شد سال دیگر در 17 ماه صفر 1334 در جزو هیئت وزرای شاهزاده عبد الحسین میرزای فرمانفرما بوزارت امور خارجه منصوب و بعد از دو ماه یعنی اواخر ماه ربیع الثّانی که هیئت‏ وزرای مذکور بهم خورد او هم خارج شده تا اینکه در 6 ماه ربیع الثّانی 1336 در جزو هیئت وزرای میرزا حسن خان مستوفی الممالک مجدّدا وزیر امور خارجه شده‏ و پس از آن در هیئت وزرای نجفقلی خان صمصام السّلطنه و بالأخره در هیئت‏ وزرای حالیّهء میرزا حسن خان وثوق الدّوله مقام مذکور را داشته است.